



## مطالعات قرآنی در آلمان: انگیزه‌ها و دستاوردها

نویسنده: دکتر احمد محمود همدیدی  
ترجمه و تلخیص: سعید زعفرانی زاده

چکیده: از آنجا که دین اسلام، آخرین ادیان آسمانی، در شرق ظهور کرده و از آنجا، مناطق مختلف جهان را در نور دیده است، گروهی از خاورشناسان به مطالعه درباره عقیده، زبان، ادبیات، تاریخ و دیگر جنبه‌های تمدن اسلامی و مسلمان پرداخته‌اند و علوم مختلف اسلامی همچون: علوم قرآنی، علوم حدیث، سیره نبوی، زبان و علوم عربی، تاریخ ملل اسلامی و انتشار اسلام و تمدن اسلامی و سرچشمه‌های آن و تأثیر هر یک از اینها بر اندیشه بشری را مورد بررسی قرار داده‌اند. موضوعی از موضوعات اسلامی نیست که مستشرقان به پژوهش و مطالعه در آن نپرداخته و آثاری در باره آن پدید نیآورده باشند، و از آنجا که قرآن کریم، منبع اصلی شریعت اسلامی است، همه خاورشناسان ویژه خاورشناسان آلمانی توجه و اهتمام خاصی بدان نشان داده‌اند. در این پژوهش به بررسی مهم‌ترین مطالعات و کوششهای مستشرقان آلمانی در باره قرآن کریم و علل و انگیزه‌های روی آوری آنان به این موضوعات و پژوهشها و دستاوردهای آنان خواهیم پرداخت.

الفاروق  
شماره ۱۵ / تابستان ۸۳

۲۲



## سهام مستشرقان آلمانی در مطالعات قرآنی

در اینجا مقصود ما از مطالعات قرآنی، [بررسی] قرآن کریم و علوم آن، یعنی علم تفسیر، علم فرائض، اسباب النزول و ....، متن قرآن، زبان قرآن و رابطه و دیدگاه قرآن کریم نسبت به ادیان صاحب کتاب دیگر است.

خاورشناسان آلمانی، مانند دیگر خاورشناسان به همه موضوعات ذکر شده، پرداخته‌اند اما به برخی از مباحث خاص بیش از موضوعات و مباحث دیگر توجه کرده‌اند و برای آنها اولویت قائل شده‌اند از جمله: مطالعه درباره متن قرآن، فرائض و رابطه قرآن با ادیان دیگر.

در اینجا به سبب پراکندگی موضوعات و کثرت کارهای خاورشناسان آلمانی، تنها به نقش آنان در ترجمه و چاپ متن قرآن و تصحیح نسخ خطی مرتبط با قرآن و علوم قرآنی پرداخته و پس از آن به مهمترین مطالعات مستشرقان آلمانی درباره قرآن کریم اشاره می‌نماییم.

اولین ترجمه آلمانی از قرآن در سال ۱۷۷۲ م توسط دیوید فردریش مگرلین، صورت پذیرفت و پس از آن در سال ۱۷۷۳ م. مستشرق یوسین ترجمه خود را عرضه کرد که این ترجمه بعدها در سال ۱۸۲۸ م. توسط وال' و اولمان ویرایش و تجدید چاپ شد. بعد از این ترجمه، ترجمه‌های مختلفی از قرآن کریم انجام شد که برخی شامل همه قرآن و برخی ترجمه آیه یا آیاتی از قرآن بود. تعداد ترجمه‌های آلمانی از قرآن افزون بر ۱۴ ترجمه می‌شود که مهمترین آنها ترجمه ماکس هیننگ<sup>۱</sup> است که خانم آن ماری شیمل<sup>۲</sup> آن را بنا اضافه کردن یک مقدمه و برخی توضیحات تجدید چاپ نمود، همچنین ترجمه رودی پارت<sup>۳</sup> نیز از اهمیت فراوانی در میان خاورشناسان آلمانی برخوردار است.

افزون بر این ترجمه‌های استشرافی، ترجمه‌هایی نیز از دانشمندان مسلمان در دست است، از جمله ترجمه آلمانی قرآن که مؤسسه باواریا انجام داده و شامل متن عربی قرآن و ترجمه و

تفسیر آن به زبان آلمانی است، که این امر باعث حجیم شدن این ترجمه و کمی استفاده از آن شده است. ترجمه دیگر اثر احمد فن دنفر<sup>۴</sup> است که مشتمل بر مقدمه خوبی درباره اسلام و قرآن کریم است و به نظر من، از بهترین ترجمه‌های آلمانی قرآن چه از مستشرقان و چه از مسلمانان به شمار می‌رود. شورای عالی امور اسلامی<sup>۵</sup> مصر نیز اقدام به ترجمه‌ای منتخب از تفاسیر نمود (چاپ قساوه ۱۴۲۰ هـ ق/۱۹۹۹ میلادی)

بسی تردید وجود ترجمه‌های اسلامی (ترجمه‌های مسلمانان) از قرآن کریم به زبان آلمانی یا زبانهای دیگر اروپایی، در دراز مدت باعث تغییر تصویر غبار آلودی که برخی از مستشرقان از اسلام عرضه داشته‌اند، می‌شود. در قرن نوزدهم میلادی، تحقیقات بسیاری درباره متن و تاریخ قرآن صورت پذیرفت. از مهمترین این تحقیقات، کتاب مستشرق آلمانی گوستاو وایل<sup>۶</sup> با عنوان "مقدمه تاریخی انتقادی به قرآن" بود که در سال ۱۸۴۴ م به طبع رسید و در آن به مطالعه درباره مسأله جمع قرآن کریم و تسلسل تاریخی سوره‌ها و آیات آن پرداخته بود. وایل، سوره‌های مکی را به سه بخش تقسیم کرده بود: سوره‌هایی که بسیم و انداز در آنها وجود دارد به دوره اول مکی، سوره‌های متأخر و نزدیک به سور مدنی را به دوره سوم مکی و سوره‌های بینابین را به دوره دوم مکی متسبب نمود.<sup>۷</sup> تئودور نولدکه<sup>۸</sup> در کتاب خود، "تاریخ قرآن" که در سال ۱۸۶۰ م تألیف کرد تحت تأثیر این نظریه وایل بود.

این رویکرد در مطالعه متن قرآن کریم، تحت تأثیر رویکردی که در آن زبان در باب نقد تاریخی متون دینی رواج داشت مطرح شد. این نظریه در پایان قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ میلادی توسط پولیوس ولهاوزن، که طرفدار نولدکه<sup>۹</sup> بود مطرح شد. بر اساس این نظریه، تورات کنونی بسا آنچه در زمان حضرت موسی علیه السلام رواج داشته، تفاوت دارد و بسته به دوره‌های مختلف زندگانی بنی اسرائیل بخش‌هایی بدان افزوده

بی تردید وجود ترجمه‌های اسلامی (ترجمه‌های مسلمانان) از قرآن کریم به زبان آلمانی یا زبانهای دیگر اروپایی، در دراز مدت باعث تغییر تصویر غبار آلودی که برخی از مستشرقان از اسلام عرضه داشته‌اند، می‌شود.



شده که اکنون باید با نقد تاریخی این متن، لایه‌های مختلف آن را بازشناسی کرد.

در اینجا اشاره به چند نکته لازم است:

۱- مطالعه وایل و تولدکه، ابتدا از مطالعات عبسری و سامی آغاز شد و پس از آن به مطالعات قرآنی انتقال یافت،<sup>۱۰</sup> اما بدون شناخت عمیق از ماهیت متن قرآن.

۲- هر آنچه که در باب تورات و اناجیل قابل اجزاست درباره متن قرآن کریم قابل اجرا نیست چرا که:

الف) تورات کنونی، به شهادت خود متن و اقوال حکمای تلمود، تورات موسی علیه السلام نیست.<sup>۱۱</sup>

ب) متن تورات کنونی به مدت حدود هزار سال، یعنی از زمان حضرت موسی تا زمان تدوین آن توسط عزرا در قرن ۵ ق.م، به شکل شفاهی تداول داشت و در این مدت طولانی، متن تورات از معانی اصلی اش دور شده بود علاوه بر افزوده‌هایی که عزرا و سایر نویسندگان در متن وارد کرده بودند.<sup>۱۲</sup>

ج) ترکیب و اختلاط مطالب دینی با مواد بشری و عدم وجود استنادی که تعلق تورات کنونی را به عصر موسی علیه السلام اثبات کند.

متن کنونی قرآن کریم، همان متنی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر کاتبان وحی املاء نموده بود و آنچه در زمان عثمان روی داد، فرایند توحید مصاحف بود و اگر اختلافی میان آنچه که در زمان عثمان انجام شد با متن اصلی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر صحابه املاء کردند وجود می‌داشت، صحابه از سویی و نیز دشمنان اسلام و منافقان و

مسلمان شدگان از اهل کتاب، نسبت به آن سکوت نمی‌کردند،<sup>۱۳</sup> در نتیجه توجه روزافزون به متن قرآن و نشر آن به زبان اصلی، خاورشناسان آلمانی برای سهولت دست‌یابی به کلمات و واژه‌های قسسرآن و نیز دست‌یابی به آیات مربوط به هر موضوع، به فراهم آوردن معجم‌ها و فهرست‌های مختلف برای قرآن دست‌یازیدند. معجمی که گوستاو فلرکل پدید آورد و آن را بسا عنوان عربی "بحر الفراهان فی اطراف القرآن"

در سال ۱۸۴۲ م در لایپزیک به چاپ رسانند، اولین معجم درباره کلمات قرآن بود و اساس و منبای همه معجم‌های همانند در کشورهای عربی و اسلامی قرار گرفت، اگرچه هیچ یک از کارهای مشابه به درجه دقت و کمال آن نرسید. "ادوارد مایر (۱۸۵۷-۱۹۲۵ م)، "دلیل القرآن" را در جمع مفردات، افعال، حروف جرو حروف عطف قرآن کریم، تألیف کرد. برگشتراسر نیز در این موضوع، حروف النفی فی القسّران (چاپ لایپزیک، ۱۹۱۱ م) را ارائه کرد. برگشتراسر به طور ویژه درباره مسأله قسراتات تحقیق می‌کرد و آثار گوناگونی را در این باره به رشته تحریر در آورده که از جمله آنها "معجم قراء القرآن و تراجمهم" (۱۹۱۲ م) بود.

وی همچنین تعدادی از منابع این حوزه را به چاپ رسانید، از جمله "المختصر فی شواذ القسّران من کتاب البدیع اثر ابن خالویه را در ۱۹۲۵ م و "غایة النهایة فی طبقات القراء" ابن جوزی را در ۱۹۳۳ م. چاپ کرد.<sup>۱۴</sup> خاورشناسان آلمانی تنها به ترجمه و چاپ قرآن و فراهم آوردن معجم‌های قرآنی بسنده نکردند بلکه به تصحیح نسخ خطی کتاب‌های قرآنی نیز پرداختند. از جمله هاینریش فلایشسر (H.J. Fleischer) که به انتشار بسیاری از میراث علمی زبان عربی از جمله تفسیر قرآن قضایی بنصاوی اهتمام ورزید، کتابی که پیش از او فرایناج، استاد زبانهای شرقی دانشگاه بن، آن را بسا عنوان "اسسرار التأویل و انوار التنزیل" (لایپزیک، ۱۸۴۵ م) چاپ کرده بود.<sup>۱۵</sup> چاپ فلایشسر، اگرچه اسباب نقد و ذکر نسخه‌های خطی به کار گرفته شده را دارا نبود اما از توانایی او در زبان عربی و شناختش از اسلام نشان داشت.<sup>۱۶</sup>

وستنفلد (F. Wustenfeld) نیز کتاب "المعارف" ابن قتیبه را در سال ۱۸۵۰ م در گوتنگن به طبع رساند و اشملدرز (Schmolders) کتاب "المعقد من الضلال" ابو حامد غزالی را منتشر ساخت.<sup>۱۷</sup>

از طرح برگشتراسر نیز نباید غفلت کنیم. وی موزه‌ای را برای جمع‌آوری قرآنات و تفاسیر مختلف هر یک از آیات قرآن، ایجاد کرد اما به سبب درگذشت زود هنگامش موفق به

در نتیجه توجه روزافزون به متن قرآن و نشر آن به زبان اصلی، خاورشناسان آلمانی برای سهولت دست‌یابی به کلمات و واژه‌های قرآن و نیز دست‌یابی به آیات مربوط به هر موضوع، به فراهم آوردن معجم‌ها و فهرست‌های مختلف برای قرآن دست‌یازیدند.



اتمام این طرح نشد و اتو بریتزل به تکمیل این طرح اقدام کرد.

بخش دیگر مطالعات مستشرقان آلمانی به موضوع اهل کتاب در متابع اسلامی مربوط می شود. از میان این مطالعات می توان به پژوهش سیمون وایل دربارۀ تورات در قرآن (چاپ اشنترتنگارت، ۱۸۳۵م) و مجموعه مقالات هیرشفلد (H. Hirschfeld) دربارۀ مطالعات یهودی-اسلامی که در مجله الفصول اليهودیه در فاصله سال های ۱۹۱۰م تا ۱۹۱۱م منتشر شد، اشاره کرد. همچنین تحقیقی که فریلیندر به نام "ترکیب الفصل فی الملل و النحل للشهرستانی" انجام داد و در یادنامه تولد که به چاپ رسید، نیز پژوهش باوشتارک (A. Baumstark) درباره مسیحیت و یهودیت در قرآن و اسلام (چاپ ۱۹۲۷م) و پژوهش دیگر او با عنوان "مطالعه مذهب طبیعت واحده نصرانی در قرآن" که در سال ۱۹۵۳م منتشر شد. اما دیوید بنانت (D. H. Baneth) که در ابتدا به مطالعه زبان آرامی قدیم و زبان های کنعانی می پرداخت و به پژوهش در زبان عربی و فلسفه اسلامی در آکادمی علم یهودی روی آورد و تحقیقات فراوانی را منتشر کرد که از جمله آنها نقصد کتاب "الحجة و الدلیل فی نصره الدین الذلیل" اثر یهودا هالیفی و نیز چاپ "تفسیح الایحاث فی الملل الثلاث" ابن کیمونه با ترجمه آلمانی بود.<sup>۱۵</sup>

مطالعات عربی - اسلامی از پایان قرن ۱۷م در آلمان آغاز شد و در طول قرن ۱۹ تحول گسترده ای یافت و اگر فعالیت های خاورشناسان آلمانی در طی قرون ۱۸ و ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ را مورد بررسی قرار دهیم، می بینیم که بسیاری از آنان تلاش های علمی خود را از سویی در مطالعات عربی - اسلامی و از سویی دیگر در مطالعات عبری و عهد قدیم سامان داده اند. کیسانی چون فلاشر، تولدکه، گراف، وایل، ولهاوزن و بسیاری دیگر این امر نشان از آن دارد که مطالعات عبری و پژوهش های مرتبط با عهد قدیم در بنیادش و نظیر همپای مطالعات عربی - اسلامی در آلمان پیش رفته و نمی توان این دو حوزه را از یکدیگر جدا دانست، بلکه باید گفت که انگیزه های شکل گیری و رشد و تحول آنها به هم نزدیک است چرا که هدف اصلی اهتمام به زبان عربی در آلمان، دستیابی به فهم عهد عتیق به زبان اصلی آن، یعنی عبری بوده است.

می نوشت ها:

- ۱- مشخصات کتاب شناختی مقاله چنین است: احمد محمود هدیدی، "الدراسات القرآنیة فی ألمانيا: دوافعها و آثارها"، عالم الفكر، سال ۳۱، شماره ۲، سپتامبر ۲۰۱۲.
- ۲- David Friedrich Megerlin - Wahl
- ۳- L. Ohlmann
- ۴- س.ک: سامی سلام حاج، الظاهرة الاستشرافیة و أثرها علی الدراسات الاسلامیة، (ج ۱) مرکز دراسات العالم الاسلامی، مالطه، ۱۹۹۱م، ص ۲۱۳
- ۵- حریرة شماره ترجمه های آلمانی قرآن کریم تک: محمود حمیدی ذقون، الاستشراف و الحقیة الفکریة للصراع الحضاری، کتاب الامة، سن ۵، رجب ۱۴۰۵ ه.ق، / آوریل ۱۹۸۵م، ص ۶۵
- ۶- Max Henning
- ۷- Annemarie Schimmel
- ۸- Rudi Paret
- ۹- Ahmad Von Denfer
- ۱۰- المجلس الاعلی للشؤون الاسلامیة
- ۱۱- nnnnn
- ۱۲- بی.ی.
- ۱۳- Rudis Paret, Mohammad under Koran v. Auflage Stuttgart, Berlin, Köln, ۱۹۹۱, pp, W. Kohlhammer ۱۶۷-۱۶۶ Th. Noldeke
- ۱۴- به سبب اهمیت این کتاب تولدکه، شورالی (Fr. sch Wally) به ویرایش و هرج باورقمی بر آن اقدام کرد و آن را در دو جلد در سالهای ۱۹۰۹ و ۱۹۱۹ م تجدید چاپ نمود. پس از آن برگشتراسر (G. Bergstrasser) و بریتزل (G. pretz) در سالهای ۱۹۲۶م، و ۱۹۲۵م، ویرایش سوم این کتاب را عرضه کردند.
- ۱۵- ولهاوزن و تولدکه، هر دو از شاگردان هاینریش اریاله بودند.
- ۱۶- س.ک: یوهان، فوک، تاریخ حركة الاستشراف، الدراسات العربیة فی اروپا حتی بداية القرن العشرين، ترجمه دکتر عمر لطفی عالم (ج ۱)، دمشق، دارقیس، ۱۴۱۷ ه.ق، (۱۹۹۶م)، ص ۲۳۲، نجیب عقیقی، المستشرقون (ج ۴)، قاهره، دارالمعارف، بی تا، ج ۲، ص ۳۶۶-۳۷۹
- ۱۷- س.ک: استینوزا، رساله فی الالهوت و السیاسة، ترجمه و مقدمه دکتر حسن حنفی، ص ۲۶۵-۲۸۲
- ۱۸- استماعیل راجی فاروقی، اصول الصهیونیة فی الدین اليهودی، (ج ۳)، قاهره، مکتبه وهبة، ۱۹۹۱م، ص ۸
- ۱۹- مناع قطان، مباحث فی علوم القرآن (ج ۱۵)، مؤسسه الرساله، سوریه، ۱۴۰۵هـ، ۱۹۸۵م، ص ۱۲۹
- ۲۰- عبدالرحمان بدوی، موسوعة المستشرقین (ج ۱)، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۴م، ص ۳۸۷
- ۲۱- س.ک: میثال جحا، الدراسات العربیة و الاسلامیة فی اروپا، (ج ۱)، معهد الابعاء العربیة، بیروت، ۱۹۸۲، ص ۲۰۱، نجیب عقیقی، ج ۲، ص ۳۶۲، ۳۵۱
- ۲۲- یوهان فوک، ص ۱۷۷
- ۲۳- همانجا
- ۲۴- نجیب عقیقی، ص ۳۶۷، عبدالرحمان بدوی، ص ۳۷
- ۲۵- تک، نجیب عقیقی، ص ۴۷۹، ۴۳۱، ۴۰۰